



بیانات مقام معظم رهبری در دیدار کارگزاران، به مناسبت عید غدیر خم - 28 اردیبهشت / 1374

بسم الله الرحمن الرحيم

بنده هم این عید بزرگ و عید الله الاکبر را به همه‌ی مسلمانان عالم، بخصوص شیعیان سراسر جهان و بالاخص ملت عظیم الشان، مؤمن و موالی ایران و به جمع حاضر عزیزان کارگزار و خدمتگزار ملت اسلامی، تبریک عرض می‌کنم. امیدواریم خداوند به ما توفیق ببخشد که به معنای حقیقی کلمه، رهسپار راه «ولایت» که امروز در معارف و حیات تاریخی اسلام تثبیت شده است به حساب آییم.

در باب غدیر، انسان از ابعاد گوناگونی می‌تواند نظر بیندازد و بهره‌ی معنوی و فکری بگیرد. یکی، اصل و موضوع «ولایت»، به عنوان استمرار نبوت است. این، موضوع مهمی است. نبوت عبارت است از گزاردن پیغام پروردگار در میان بشر در برهه‌ای از زمان و تحقق اراده‌ی الهی به وسیله‌ی شخصی که مبعوث و برگزیده‌ی پروردگار است. بدیهی است این دوره هم تمام می‌شد و می‌گذشت. که: «اتک میّت و اثم میّتون». (18) اما این حادثه‌ی الهی و معنوی، با رفتن پیغمبر، منقطع نمی‌شود؛ بلکه هر دو جنبه‌اش باقی می‌ماند. یکی جنبه‌ی اقتدار الهی، حاکمیت دین و اراده‌ی پروردگار در میان بشر است. انبیا مظهر، اقتدار پروردگار در میان بشر بودند. انبیا که نیامدند مردم را فقط نصیحت کنند. نصیحت و تبلیغ، بخشی از کار پیغمبران است. پیغمبران همه آمدند تا جامعه‌ای را بر اساس ارزشهای الهی به وجود آورند؛ یعنی در واقعیت زندگی مردم تأثیر بگذارند. بعضی توانستند و مبارزاتشان به نتیجه رسید؛ بعضی هم نتوانستند. این جنبه از زندگی پیغمبر که مظهر قدرت خدا در زمین و در میان بشر و مظهر حاکمیت و ولایت الهی در میان مردم است، استمرار پیدا می‌کند؛ برای این که معلوم شود، دین در هیچ زمانی نمی‌تواند اثر خود را ببخشد، مگر این که زمامداری، حاکمیت و اقتدار، در آن وجود داشته باشد.

جنبه‌ی دوم موضوع که آن هم به همین اندازه مهم است، این است که حال که این حاکمیت، با رفتن نبی قطع نمی‌شود و استمرار پیدا می‌کند، نمی‌تواند یک حاکمیت برهنه و بی‌نصیب از معنویات پیغمبر باشد. درست است که پیغمبر دارای مقام ممتاز استثنایی است و هیچ کس دیگر با او مقایسه نمی‌شود؛ اما استمرار وجود او، باید متناسب با او باشد. ارزشهای وجود مقدس پیغمبر، باید در کسی که استمرار وجود اوست به قصد ظرفیت آن شخص، حفظ شود. در آن دوره و فصل مهم از تاریخ نبوت و ولایت، که بایستی معصوم می‌بود تا انحراف پیش نیاید، جز در وجود مقدس امیرالمؤمنین، علی بن ابی طالب علیه السلام، چنین چیزی متحقق و متبلور نبود. ماجرای غدیر، این دو چیز را با هم، در تاریخ اسلام ثبت کرده است. لذا، این یک بُعد از مسأله‌ی غدیر است. یک بُعد دیگر، شخصیت خود امیرالمؤمنین است. بعد دیگر، اهتمام نبی اکرم به مسائل بعد از وفات خودشان است. اینها دیدگاههای مختلفی است که مسأله‌ی غدیر را از همه‌ی این جنبه‌ها می‌شود مورد بررسی قرار داد. آنچه که امروز بنده مناسب می‌بینم در باب مسأله‌ی غدیر به شما برادران و خواهران که مسؤولین کشور هستید و همچنین به ملت عزیزمان با اختلاف مذهبی که دارند و امت بزرگ اسلامی عرض کنم، این است که غدیر، واقعیتی است که اتفاق افتاده است و مفهومی هم دارد که ممکن است یک نفر این مفهوم را درک کند یک نفر دیگر، درک نکند. ما که شیعه هستیم، معنای غدیر را همان چیزی می‌دانیم که در طول این هزار و چهار صد سال بازگو کرده‌ایم، تحقیق کرده‌ایم، نوشته‌ایم و آن را در جان و دل خودمان ثبت و ضبط کرده‌ایم. دیگران و بقیه فرق اسلامی هم، هر کدام نظرات خودشان را دارند.

در مورد ماجرای غدیر، دو چیز هست که جامعه‌ی ایرانی و همه‌ی شیعیان در نقاط مختلف عالم و کشورهای گوناگون، باید آنها را با هم مورد توجه قرار دهند. یکی این است که اعتقاد به غدیر، ولایت و امامت، که رکن اصلی مذهب شیعه است، باید مثل بقیه مباحث مهم کلامی، مایه‌ی اختلاف بین مسلمانان نشود. نه شیعه و نه غیر شیعه از فرق اسلامی، نسبت به این مسأله، این حالت حساسیت را به وجود نیاورند که در میان خودشان اختلاف و تفرقه



بیندازند؛ چون، این چیزی است که دشمن می‌خواهد. حالا قضیه‌ی غدیر، که قضیه‌ی مهم و بزرگی است؛ دشمنان اسلام حتی از قضایای کوچک مربوط به هر یک از فرق و جماعات اسلامی، می‌خواهند برای ایجاد اختلاف استفاده کنند.

به کشورهای اسلامی نگاه کنید! همه‌جا وسایل برای تفرقه افکنی هست. یک عده هم، حقیقتاً در این بین، سرشان کلاه می‌رود. یعنی فریب می‌خورند، بازی می‌خورند و بازیچه دست دشمن می‌شوند. امروز امت اسلامی، باید متحد باشد. نقاط اتحاد و اجتماع زیادی هست که همیشه باید آنها را در نظر داشته باشیم.

مطلب دومی که باید مورد نظر باشد، اصل خود مفهوم حدیث غدیر و حادثه‌ی غدیر است که باید مغفول‌عنه واقع نشود. ما البته به همه‌ی فرق اسلامی این سفارش را می‌کنیم، نه این که فقط به شیعه بخواهیم بگوییم «آقا غدیرت را فراموش نکن!» ما به همه‌ی فرق اسلامی می‌گوییم: «مبانی‌تان را فراموش نکنید.» در این جا به شیعه تأکید می‌کنیم که بر اندیشه و فکر غدیر، تکیه کند. این، یک فکر مترقی است. اگر ما می‌گوییم «اتحاد اسلامی» و پایش هم می‌ایستیم (ما با همه‌ی قدرت، پای موضوع وحدت اسلامی، در مقابل دشمنان وحدت ایستاده‌ایم) نباید تصور شود که این مفهوم مهم، مترقی، اصلی و نجاتبخش اسلامی، یعنی مفهوم ولایت و غدیر را فراموش خواهیم کرد. موضوع غدیر نباید فراموش شود؛ چون مسأله‌ی خیلی مهمی است. همان‌طور که عرض کردم، اگر مسأله‌ی غدیر با آن دو جنبه‌ای که اول صحبت‌م کردم مورد ملاحظه قرار گیرد، امروز اسلام دنیا را نجات خواهد داد. یک عده هستند که تصور می‌کنند می‌شود ملتی مسلمان بود؛ اما به احکام اسلامی عمل نکرد! این تصور، معنایش جدایی دین از سیاست است. معنایش این است که اسمتان مسلمان باشد، اما به احکام اسلامی عمل نکنید و سیستم بانکداری، اقتصاد، آموزش و پرورش، شکل و محتوای حکومت و ارتباطات فرد و جامعه‌تان، به خلاف اسلام و طبق قوانین غیر اسلامی و حتی ضد اسلامی باشد. البته، این، در مورد کشورهایی است که قانون دارند؛ اگرچه طبق اراده و خواست یک انسان قاصر و ناقص باشد. امروز در بعضی کشورهای اسلامی، حتی قانون هم نیست؛ حتی قانون غیر اسلامی هم وجود ندارد و اراده‌ی اشخاص مهم است. در رأس قدرت یک نفر نشسته است و دستور می‌دهد: این‌طوری شود، آن‌طوری شود. نمی‌شود که ما فرض کنیم عده‌ای مسلمانند، اما از اسلام فقط نماز، روزه، طهارت و نجاست و امثال این چیزها را دارند. در جوامعی که می‌خواهند مسلمان باشند، اسلام باید حاکم باشد. غدیر، این پیام را داشت. امروز بسیاری از جوامع، چوب عدم اعتقاد به این معنا را می‌خورند. ببینید ماجرای غدیر، این جا چقدر می‌تواند الهامبخش باشد!

نکته‌ی دوم این است که بعضی از کشورهایی که به نحوی خودشان را مقید به احکام اسلامی نشان می‌دهند، برای مسائلشان، به آیه و روایتی استناد می‌کنند؛ چهار نفر عمّامه به سر را هم به خدمت می‌گیرند، برای این که در جایی برایشان فتوایی بدهند و کاری کنند. این کشورها، اگر چه به ظاهر چیزی مثل حاکمیت اسلامی دارند، اما حاکمیت اسلامی با ارزشها و معیارهای نبوی و ولّوی، علم و تقوا، عدالت، عبودیت خدا و خشیت الهی و «ترتعد فرأئسه فی المحراب»، که روش انبیا و اولیا و مقربترین افراد به خدا بوده است، در جامعه‌شان مطرح نیست. اگر تعبیرات تندتر و واضحتری نخواهیم بکنیم، آنها یک عده آدمهای دور از دینند.

پس، غدیر یک مفهوم مترقی و نجاتبخش است. ولایت در اسلام یک مفهوم عالی است. این را باید بفهمند. شیعه باید به ولایت افتخار کند و غیر شیعه هم سعی کند آن را بشناسد. بحث علمی و دانستن که دعوا ندارد. بدانند که اصلاً این موضوع چیست.

متأسفانه امروز یکی از کارهایی که دشمنان به صورت برنامه‌ریزی شده انجام می‌دهند، این است که عقاید شیعه را در دنیا به صورت وارونه جلوه دهند. یک عده، برای همین کار، کتاب می‌نویسند و پول می‌گیرند تا این جاذبه‌ی انقلاب اسلامی، حرکت عظیم و بیداری اسلامی، نتواند مردم دنیا را جذب کند. امروز این کارها می‌شود. لذا، کسانی که می‌توانند پیام صحیح تشیع را به مغزها، ذهنها و دل‌های تشنه و محتاج منتقل کنند، باید این کار مهم را بکنند. در



جامعه‌ی ما هم، بحمدالله، ولایت، از گذشته تا امروز، تأثیرات خود را در همه‌ی ابعاد نشان داده است. از اوّل حرکت انقلابی، همین‌گونه بود. امام بزرگوار رضوان الله تعالی علیه، با استمداد از شاخه‌های ولایت، این انقلاب را به پیروزی رساندند. موضوع عاشورا و کربلا، محبت به اهل بیت علیهم السّلام و کوشش برای شبیه شدن به آنها، روحیه‌ی جهاد مظلومانه و صبر بر این جهاد، جزو خصوصیات و معارف مربوط به ولایت است. امام به این وسیله توانستند این انقلاب را به پیروزی برسانند و این نظام را تشکیل دهند. البته نظامی نظام اسلامی است که از ولایت هم سیراب می‌شود و برخوردار می‌گردد. دشمنها تبلیغ نکنند که «این، یک انقلاب شیعی و مخصوص شیعه است و شامل غیر شیعه نمی‌شود.» از خصوصیات محیط ولایت، این است که چشم را به مفاهیم اسلامی باز می‌کند. ما به برکت درسی که اهل بیت دادند، از مفاهیم اسلامی و قرآنی، حدّاکثر استفاده را کردیم. شیعیان، پیروان اهل بیتند. امروز هم بحمدالله، همین‌طور است. این حالت عاطفه و محبت شدیدی که در میان مردم ما نسبت به دوستان، نسبت به مظلومین و محرومین، مردم فلسطین، ستمدیدگان اروپا و مظلومین بخشهای دیگر دنیا هست، اساساً روحیه‌ی شیعی و ولایتی است.

این اشکها، دور هم نشستنها، ذکر مصیبت کردنها، این محرم و عاشورا، در روحیه و فضای زندگی مردم ما تأثیر می‌گذارد. آن خشکی و بی‌روحی بعضی از جوامع ضد شیعی متأسفانه بعضی حکومتها، مردمشان را نه غیر شیعی، بلکه ضد شیعی بار می‌آورند بحمدالله، در جامعه‌ی ما نیست. جامعه‌ی ما، جامعه‌ای منعطف، با حال، با روحیه، اهل عاطفه و تعطف است.

ایستادگی در مقابل دشمن هم، از خصوصیات ولایت است. چون ائمه‌ی ما، الگوی این ایستادگی اند؛ از نمونه‌ی کربلا بگیرید تا امامزاده‌هایی که در سخت‌ترین شرایط مقاومت کردند و به شهادت رسیدند، تا علی بن موسی الرضا، علیه آلاف التحية والثناء که با یک سیاست الهی به جنگ دشمن رفت، تا موسی بن جعفر علیه الصلوة والسلام که سالهای زندان را تحمل کرد، تا ائمه‌ی ابناء الرضا علیهم السّلام که سالیان دراز رنج تبعید را تحمل کردند. انواع و اقسام تحمل رنج برای خدا، در میان ائمه، از اوّل تا آخر و در طول این دویست و پنجاه سال، وجود دارد. خوب؛ مردم ما اینها را یاد گرفتند. اینها درس است. لذا، می‌بینید که مردم می‌ایستند و همین ایستادگی هم آنها را پیروز می‌کند. مردم ما، در مقابل استکبار، امریکا و تهدید، ایستادند. آن وقت که دو بلوک شرق و غرب، علیه جمهوری اسلامی دست به دست هم داده بودند، مردم ایستادند و به زانو در نیامدند؛ بلکه دشمن را به زانو درآوردند. امروز هم در مقابل تهدیدهای امریکا، نوطئه‌ها و حيله‌گریهای دشمنان گوناگون و نفاق چهره‌هایی که سعی می‌کنند خودشان را طرفدار حقوق بشر نشان دهند در حالی که ضدّ حقوق بشر و اصل تروریسمند ایستادگی می‌کنند و به فضل الهی، در مقابل این تبلیغات خصمانه و معارضه‌ها، پیروز هم خواهند شد. اینها به برکت ولایت است. این روحیه را، ولایت در جامعه و یک یک دل‌های ما تزریق کرده است.

امیدواریم که خدای متعال تا آخر عمرمان ما را با ولایت زنده بدارد؛ ما را با ولایت به عالم نشئه‌ی بعد منتقل کند؛ ما را با ولایت ائمه علیهم السّلام در قیامت محشور کند.

پروردگارا! برکات ولایت را بر مردم ما جاری کن.

پروردگارا! روح مطهر امام بزرگوار را که مدرّس بزرگ ولایت بودند، شاد فرما.

پروردگارا! همه‌ی کسانی را که در راه دین و معارف دینی تلاش می‌کنند و زحمت می‌کشند، مشمول لطف و فضل خودت قرار بده.

پروردگارا! یادگار امام رضوان الله علیه را که امروز هم جای او در میان ما خالی است، با اولیای او و پدر بزرگوارشان، محشور فرما!

والسّلام علیکم و رحمة الله و برکاته



دفتر مقام معظم رهبری
www.leader.ir

30 (18) زمر: